

## ریخت‌شناسی قصه‌ی خیر و شر بر اساس نظریه‌ی پراپ

طاهره ایشانی، دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

### چکیده

ساختارگرایی نوعی روش تحقیق است که به ساختارها می‌پردازد و آن دسته قوانین کلی را بررسی می‌کند که بر ساختارها حاکمند. در حقیقت ساختارگرایی روش جست‌وجوی واقعیت و مطالعه‌ی روابط است.

بررسی ساختاری داستان تقریباً از کار ولادیمیر پراپ با عنوان «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» شروع شد. پراپ بر اساس واحدهای تشکیل دهنده‌ی حکایت‌ها و مناسبات آن‌ها با یکدیگر و با کل حکایت، آن‌ها را بررسی کرد. او در بررسی صد قصه نتیجه گرفت هرچند شخصیت‌های قصه‌ها گوناگون و کنش‌ها متنوع است؛ اما نقش ویژه‌ی آن‌ها محدود است. او نقش ویژه (خویشکاری: function) را عمل و کار شخصیت از نقطه نظر اهمیتش در پیشبرد قصه تعریف می‌کند.

در این مقاله سعی شده است که ساختار داستان "خیر و شر" برگرفته از هفت پیکر نظامی بر اساس تحقیقات پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان بررسی شود. همین امر نشان‌دهنده‌ی این است که این نظریه قابلیت کاربست در سایر قصه‌های ایرانی - منظوم و یا منثور - را دارد.

**کلید واژه‌ها:** ساختارگرایی، پراپ، ریخت‌شناسی، خویشکاری، خیر و شر.

## ۱. درآمد

ساختارگرایی نوعی روش تحقیق است که به ساختارها می‌پردازد و آن دسته قوانین کلی را بررسی می‌کند که بر ساختارها حاکمند. در حقیقت ساختارگرایی روش جست‌وجوی واقعیت و مطالعه‌ی روابط است. بنابراین ساختارگرایی حرکت از مطالعه‌ی زبان به مطالعه‌ی ادبیات است و تلاش دارد با معرفی اصول ساختاری در روابط میان آثار، علمی‌ترین مبنای ممکن را برای مطالعه‌ی ادبیات فراهم آورد.

در واقع می‌توان گفت «ساختارگرایی پاسخی است در جهت نیاز به نظامی منسجم تا علوم مدرن را وحدت بخشد. علوم مدرنی که به گفته‌ی کریستوفر کادول بر فرض‌های مانع الجمع استوارند و یکدیگر را نقض می‌کنند یا نادیده می‌گیرند؛ علمی چون فیزیک سببیت، فیزیک کوانتم، مردم‌شناسی و ...» ( اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۵).

ساختارگرایی ادبی در دهه ۱۹۶۰ شکوفا شد و کوششی بود در به کار بستن نظریات فردینان دوسوسور، بنیانگذار زبان‌شناسی ساختاری. به طور کلی، ساختارگرایی نوعی روش تحقیق است که به ساختارها می‌پردازد و آن دسته قوانین کلی را بررسی می‌کند که بر ساختارها حاکمند. در حقیقت ساختارگرایی روش جست‌وجوی واقعیت و مطالعه‌ی روابط است. بررسی ساختاری داستان تقریباً از کار ولادیمیر پراپ شروع شد. «اگرچه رومن یا کوبسون یادآوری کرده است شناخت دگرگونی‌های طرح قصه‌های فولکلوریک را مدیون آلبرت و سلسکی هستیم.» (احمدی، ۱۳۷۲: ۱۸۵)

## ۲. ولادیمیر پراپ و نظریه‌ی او

ولادیمیر پراپ در سال ۱۸۹۵ در شهر سن پترزبورگ از یک خانواده‌ی آلمانی به دنیا آمد. در دانشگاه همان شهر در فقه‌اللغه روسی و آلمانی فارغ‌التحصیل شد. کار خود را با معلمی زبان آلمانی و روسی در دیرستان آغاز کرد و از سال ۱۹۳۲ به هیأت مدرسین در دانشگاه لنینگراد



۳. جایگزینی و توالی خویشکاری‌ها محدود است.

۴. تمامی قصه‌های پریان از دیدگاه ساختاری یک نوع هستند و می‌توان آن گونه‌ی نهایی

را کشف کرد.

در این تحقیق برآنیم ساختار داستان " خیر و شر " برگرفته از هفت پیکر نظامی را نیز بر اساس تحقیقات پراپ در ریخت شناسی قصه‌های پریان مورد بررسی قرار دهیم. قبل از این تحلیل، به خلاصه‌ای از این داستان، اشاره می‌نماییم:

### ۳. خلاصه‌ی داستان خیر و شر:

دو جوان با هم در سفری همراه می‌شوند، نام یکی خیر است و نام دیگری شر. شر، شخصیتی حيله گر و مکار است و چون می‌داند که در بیابان بی آب خواهند شد، از آب مشک خیر می‌خورد و آب خود را نگه می‌دارد. چون به بیابان خشک و بی آب می‌رسند؛ خیر با دادن دو گوهر قیمتی که تنها دارایی اوست، از شر می‌خواهد مقداری آب به او بدهد. شر می‌گوید: اگر دو گوهر را اکنون به من بدهی، وقتی به آبادی رسیدیم از من پس خواهی گرفت. پس دو گوهر چشم را به من بده تا نتوانی آنها را بستانی. خیر که از فرط تشنگی رو به مرگ است در نهایت این تقاضای بی‌رحمانه را می‌پذیرد. شر دو چشم خیر را با دشنه بیرون می‌کند و بدون این که به او آبی بدهد او را در بیابان رها می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد.

کرد صحرانشین که در آن حوالی است، دختری زیباروی دارد. دختر برای بردن آب از چشمه می‌آید و صدای ناله خیر را می‌شنود؛ چون از حال او جويا می‌شود او را سیراب می‌سازد و سپس او را به خانه می‌برد. کرد می‌گوید: «چاره‌ی چشم او آن است که از فلان درخت چند برگ بچینیم، آن برگها را بساییم و سپس دو گوهر چشم او را در حدقه بگذاریم و آن برگ باعث خواهد شد که چشم به حالت طبیعی باز گردد.» دختر خواهش می‌کند که پدر چنین کند. پدر نیز چشم او را به حالت طبیعی باز می‌گرداند. خیر به نشان شکرگذاری در خدمت کرد صحرانشین



آن دو چشم که کرد برایش باز گردانده بود، به او می‌بخشد و خود به کامروایی و سعادت سالها حکومت می‌کند و هر چند وقت یکبار به سوی آن درخت می‌رود و به خاطر این که خیر را به سلامتی و سعادت رسانده است، بر آن سلام و درود می‌کند.

#### ۴. تحلیل این داستان بر اساس نظریه‌ی پراپ

##### ۴-۱. عناصر سازنده‌ی این قصه:

ابتدا داستان خیر و شر را به اجزای سازنده آن تقسیم می‌کنیم و عناصر زیر را که کلیت یک قصه را تشکیل می‌دهند مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه

۲. همسانگردی‌ها

۳. برخی از عناصر دیگر قصه:

الف) عناصر پیوند دهنده

ب) انگیزش‌ها

ج) صورت‌های ظاهر شدن شخصیت‌ها به صحنه

د) عناصر وصفی و زاید

##### ۴-۱-۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه :

خویشکاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود (همان: ۵۳) و عبارت است از:

۱. صحنه‌ی آغازین:

الف) هم سفر شدن دو جوان به نام‌های خیر و شر در راه طولانی بیابان.

ب) شر از مشک خود استفاده نکرده، از توشه‌ی خیر استفاده می‌کند.

## ۲. بخش مقدماتی قصه:

(الف) شر از موقعیت دشوار خیر که تشنگی اوست، سود می‌جوید.  
(ب) شر می‌کوشد خیر را فریب دهد تا بتواند بر او یا چیزهایی که به وی تعلق دارد (جواهرات وی) دست یابد.

(ج) خیر فریب می‌خورد و ناآگاهانه به دشمن خود کمک می‌کند. (بدبختی مقدماتی)  
۳. گره‌ی قصه یا فاجعه:

(الف) شر در قبال مقدار اندکی آب به خیر آسیب رسانده، دو چشم او را از حدقه در می‌آورد.  
(ب) شر نه تنها به خیر قطره‌ای آب نمی‌دهد؛ بلکه چشمانش را کور می‌نماید.  
(ج) شر دو گوهر قیمتی خیر را نیز می‌رباید.  
(د) شر، خیر را تنها و درمانده در بیابان رها می‌کند.

## ۴. نیاز، کوتاهی، ناپسندگی<sup>۲</sup>:

برگ‌های خارق العاده شفابخش: کردصحرانشین، برای مداوای چشم خیر، برگ درخت خاصی را توصیه می‌کند.

## ۵. میانجی‌گری، رویداد ربط دهنده<sup>۳</sup>:

(الف) کرد صحرا نشین، چشم خیر را با برگ‌های ساییده شده‌ی مخصوص، مداوا می‌نماید.  
(ب) خیر نسبت به دختر کرد به عنوان همسر، در خود احساس نیاز می‌نماید.  
(ج) خیر قصد می‌کند از نزد کرد صحرا نشین مهاجرت کند.

## ۶. تدارک<sup>۴</sup>:

خیر برگ‌های آن درخت مخصوص را جمع‌آوری کرده، همراه خود می‌برد.

## ۷. درخواست‌ها:

(الف) کرد پیشنهاد ازدواج خیر با دخترش را می‌دهد و ازدواج صورت می‌گیرد.  
(ب) دختر شاه دچار بیماری صرع و دختر وزیر گرفتار آبله است و خیر آن دو را مداوا می‌نماید.

ج) خیر با دختر شاه و وزیر ازدواج کرده، به پادشاهی می‌رسد.

۸. واکنش قهرمان:

خیر، شر را با وجود همه بدیهایش می‌بخشد.

۹. پیروزی:

به حکومت رسیدن خیر و خوشبخت شدن او.

۱۰. مجازات:

الف) کرد صحرانشین، شر را می‌کشد.

ب) کرد، دو گوهر خیر را از شر پس می‌گیرد.

#### ۴-۱-۲. همسانگردی‌ها:

در قصه، همسانگردی به دست آوردن شخص یا شیئی است که در جستجوی آن هستیم.

کار دشواری که ممکن است مرتبط با همسریابی و ازدواج باشد یا نباشد. (همان: ۱۳۹)

همسانگردی به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱. همه‌ی کارهای دشواری که باعث جستجویی شوند، باید از جمله خویشکاری‌های گروه

B به شمار آیند.

۲. همه‌ی کارهای دشواری که منتج به دریافت یک عامل جادویی گردند، باید در زمره‌ی

خویشکاری‌های D به حساب آیند.

۳. همه‌ی کارهای دشوار دیگر جزء خویشکاری M هستند با دو گونه‌ی متفاوت: الف)

کارهای دشواری که با همسریابی و ازدواج وابسته هستند. ب) کارهای دشواری که با این امور،

ربطی ندارند.

در قصه‌ی خیر و شر همسانگردی به معنای کامل وجود ندارد؛ اما می‌توان گفت در قسمتی

که خیر به مداوای دختر مصرع شاه و یا دختر وزیر که در معرض نابینایی از آبله است،





و علاقه است.

۳. درخواست دختر از پدرش باعث می‌شود کرد برای مداوای چشم خیر اقدام به عملی کند.
۴. انگیزه‌ی مهاجرت خیر از نزد کرد صحرانشین، فقر و تهیدستی در مقابل آرزوی ازدواج با دختر کرد است.
۵. دلیل موافقت کرد با ازدواج خیر و دخترش، خوبی و خیرخواهی ذاتی خیر است.
۶. هدف خیر از مداوای دختر شاه و وزیر تنها برای بهبود آنهاست نه ازدواج با آنها؛ اما بعداً بنا به تقاضای شاه و وزیر با دخترانشان ازدواج می‌نماید.
۷. انگیزه‌ی خیر در بخشودن شر در پایان داستان، خیرخواهی او حتی نسبت به دشمنان خویش است.
۸. انگیزه‌ای که در پایان داستان، کرد را به کشتن شرّ و می‌دارد، شرارت و پستی آشکار شرّ و نیز "حس برقراری عدالت" در نزد کرد است.

### ج) صورت‌های ظاهر شدن و درآمدن شخصیت‌ها به صحنه:

۱. بدون هیچ مقدمه‌ای، خیر و شر در آغاز داستان ظاهر می‌شوند و از گذشته‌ی آنان اطلاعی نداریم.
۲. دختر کرد با ویژگی‌های زیبارویان در شعر کلاسیک که تکراری است، توصیف می‌شود.
۳. عامل جادویی، برگ درخت شفابخش به عنوان "یاربگر جادویی" وارد داستان شده، خویشکاری‌های اشخاص قصه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
۴. پادشاه و وزیر با سپردن دخترانشان به همسری خیر، روند رسیدن به پادشاهی را برای خیر تسهیل می‌کنند.
۵. دختر پادشاه و وزیر هیچ یک به صورت افرادی مستقل توصیف نمی‌شوند، بلکه وجه مشخصه‌ی آن‌ها دختر پادشاه و وزیر بودن آنها و نیز بیماری آن‌هاست.
۶. پیداشدن دوباره‌ی شر پس از به پادشاهی رسیدن خیر، مرگ او را به دست کرد صحرانشین

به همراه دارد.

### د) عناصر وصفی و زاید :

۱. توصیف وضع مالی چوپان قبل از رویارویی با خیر، نا بهنگام به نظر می‌رسد.
  ۲. توصیف زیبایی دختر کرد کلیشه‌ای است و طراوات و تازگی ندارد.
  ۳. مدت خدمتگزاری خیر به کرد، توالی شتاب آلود داستان را برای رسیدن به پایان خود، به تأخیر می‌اندازد.
- اکنون در این قسمت هدف نهایی راوی و داستان پرداز را که به گفته‌ی زرین کوب (۱۳۷۲):
- (۱۵۹) "غلبه‌ی نهایی خیر بر شر" است بیان می‌کنیم که با اصطلاحات داستان نویسی امروز درونمایه (theme) نامیده می‌شود :
۱. خیر در آغاز داستان، با در اختیار نهادن توشه‌اش به شر، نیکی خود را به او می‌نماید. در مقابل، شر از روی شرارت، توشه‌ی خود را از او دریغ می‌کند. شر برای اطمینان از دستیابی خود به دو گوهر گرانبها، چشمان خیر را از حدقه در می‌آورد و او را در بیابان رها می‌کند.
  ۲. خیر با خانواده کرد آشنا می‌شود و نیروهای مافوق طبیعی (برگ درخت مخصوص) به یاری او می‌آیند.
  ۳. خیر در مقابل لطف کرد به خدمتگزاری او می‌پردازد و وقتی عاشق دختر کرد می‌شود و بضاعت مالی خود را ناچیز می‌بیند، برای رهایی از احتمال هرگونه لغزشی تصمیم به ترک خانواده کرد می‌گیرد. رهایی از احتمال هرگونه لغزش، علتی است که شاعر به صورتی روان، آن را بیان نکرده و این نکته‌ای است که آن را راوی و خواننده در داستان حمل می‌کنند.
  ۴. خیر وقتی به شهر می‌رسد و خبر بیماری دختر شاه را می‌شنود و برخلاف عمل همه‌ی مدعیان سابق که طالب دختر شاه بوده‌اند، از مداوای بدون قید و شرط دختر شاه سخن می‌گوید و البته سرانجام به اصرار پادشاه و دختر شفا یافته‌ی او، به ازدواج نیز راضی می‌شود که همین

حالت برای مداوای دختر وزیر هم پیش می‌آید.

۵. راوی در نهایت برای بیان نهایت شادمانی و سعادت خیر، او را به پادشاهی می‌رساند. پادشاهی خیر، لاجرم از سوی دیگران نیز پاداش صداقت او تلقی می‌شود. آخرین عمل خیرخواهانه‌ی خیر، بخشودن شر است که خیرخواهی او را حتی بر دشمن خویش تعمیم می‌دهد. راوی به هدف نهایی خود و آخرین مقصد داستان دست یافته است؛ اما می‌داند که خواننده و شنونده‌ی داستان، خواهان به کیفر و عقوبت رسیدن شر است و چون نمی‌خواهد این عمل به دست خیر که "خوبی مطلق" است، انجام گیرد، این عمل را به عهده‌ی کرد صحرانشین می‌گذارد و کشته شدن شر - بد مطلق - به دست کرد، عدالت جویی تلقی می‌شود نه کینه کشی و انتقام‌گیری شخصی.

## ۵. نتیجه‌گیری

چنان‌که دیده می‌شود همه‌ی اجزای این داستان و حوادث نه چندان گسترده و یا پیچیده‌ی آن، در خدمت هدف نهایی متن داستان و تأیید درونمایه‌ی واحد آن هستند. داستان خیر و شر، داستانی ساده است که بر اساس توالی منطقی مشخصی پیش می‌رود. همان‌طور پورنامداریان (۱۳۷۵: ۲۳۵) نیز بر این باور است در داستانهای کلاسیک به ندرت طرحی پیچیده و یا ابداعی در ساخت به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، می‌توان گفت این تحلیل نشان‌دهنده‌ی این است که نظریه‌ی پراپ، قابلیت کاربرد در سایر قصه‌های ایرانی - منظوم و یا منشور - را دارد. این امر بیانگر ارزش و اهمیت والای کار پراپ و الگوی پیشنهاد شده‌ی وی است. اگرچه الگوی پیشنهادی او در مورد قصه‌های پریان انجام شده؛ می‌توان آن را در مورد سایر داستان‌های ایرانی نیز اجرا کرد.

